

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه نصر

استاد ضرابی شهریور ۱۳۹۹

جلسه سوم

آیه شریفه : « وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا »

عنوان: دین خدا عرصه ظهور نصرت الهی

از این آیه شریفه می‌توان فهمید که عرصه ظهور نصرت و فتح الهی، شکست و پیروزی‌های ظاهری و فتح و گشایش‌های جغرافیایی و مادی نیست. بلکه محور همه چیز دین خداست. «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ»

محور نصرت الهی ، دین خداست و بیشتر جنبه اجتماعی دارد تا فردی چه در مملکت درون انسان که پدیده‌ها و قوای بسیار متنوع تحریکی و ادراکی با آیین الهی سامان و سلامت می‌پذیرند، و چه عرصه اجتماع انسانها که در کنار هم در اجرای دین الهی ایفای نقش می‌کنند تا شؤون مختلف اجتماعی قوام و صحت و سلامت یابد .

عنوان: مردم چگونه وارد دین خدا شدند؟

مردم و صاحب نظران عرب وقتی دیدند که خداوند، مردم مگه را در برابر سپاه «ابرهه» و پیل سواران او پناه داد و آن سپاه گران را درهم شکست، ولی محمد(ص) را بر ساکنان مگه پیروزی بخشید، این حادثه را نشانگر درستی راه و رسم و عقیده او دانستند و گفتند که بدانید: دیگر هیچ نیرویی توان ایستادگی در

برابر او را ندارد. حقانیت دین خدا و دادگری و بشردوستی پیامبرش، مردم را به تدریج به سوی اسلام کشانید. این گرایش نخست به صورت یک نفری و چند نفری و سرانجام به صورت گروه گروه درآمد؛ به گونه‌ای که بعدها یک منطقه و یا یک قبیله بزرگ به دین خدا وارد می شدند. (فکانوا یدخلون فی الإسلام أفواجا من غیر قتال)

مردم عادی با یادآوری آن دورانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی آن مردم مورد آزار و اذیت قرار می گرفت، فکر می کردند که آن حضرت هرچه زودتر اهل مکه را مجازات می کند و از آنها انتقام می گیرد و شوکت و قدرت و نیروی خود را به آنها نشان داده، و شهر و دیار و زنان و اموالشان را به عنوان غنائم جنگی میان سپاه خود تقسیم می کند؛ اما پیامبر اسلام (ص)، در فتح مکه شعارش "الیوم، یوم المرحمه" بود یعنی امروز روز رحمت است.

گر فضل کنی ندارم از عالم باک و عدل کنی، شوم بیک باره هلاک
روزی صدمبار گویم ای صانع پاک مشتی خاکم، چه آید از مشتی خاک

حتی گروهی هم که به خاطر حقانیت اسلام، ایمان نیاورده بودند و دل سنگشان اجازه نمی داد، از ترس به اسلام تظاهر کردند، نظیر ابوسفیان که امام علی (علیه السلام) درباره آنان فرمود: «ما اسلموا و لکن استسلموا و اسرّوا الکفر» - آنان در ظاهر مسلمان شدند ولی در دل کافر ماندند. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۳۱)

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند و آنکه این کار ندانست در انکار بماند

عنوان: نظری به بیرون و درون

چنانچه پذیرفته باشیم موضوع نصرت و فتح الهی به استناد این آیه شریفه مؤکداً دین الهی است و سایر امور فقط مقدمه هستند نه بیشتر، آنگاه باید دینداری خود و مردم را چگونه و در چه چیز ببینیم؟

در بعد تهذیب و سلوک، نصرت و فتح الهی، تکالیفی برای ما می‌آورد که در بحث آیهی قبل درباره (لطایف هفت‌گانه وجود انسان: طبع، نفس، قلب، روح، سرّ، خفی، اخفی و انواع فتح: فتح قریب و فتح مبین و فتح مطلق) مطالبی گفته شد، که همگی آنها مسیر تحولاتی را در درون انسان نشان می‌دهد که خداوند از انسان خواسته است.

آمده ام که تا به خود گوش‌کشان‌کشانمت بی‌دل و بی‌خودت کنم در دل و جان نشانمت
آمده ام که تا ترا جلوه دهم در این سرا همچو دعای عاشقان فوق فلك رسانمت

در بعد اجتماعی نیز اگر سؤال شود که دینداری مردم چگونه دیده می‌شود «و رأیت الناس یدخلون...» معلوم است که دینداری مردم به رعایت قوانین الهی در بعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و غیره... و اجرای قسط و عدالت اجتماعی، باید دیده شود.

نکته مهم این است که این دو عرصه را (اجرای دین الهی در درون وجود انسان و دنیای برون او)، خداوند آنچنان به یکدیگر پیوند داده است که شکست و پیروزی در هر عرصه‌ای به آن دیگری سرایت می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ - خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!» (رعد ۱۱)

کسی که وظایف خود را در عرصه اصلاح درون به سرانجام نرساند در جامعه هم نمی‌تواند یک مصلح باشد.

«و قَالَ (علیه السلام) : مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ - امام علی (علیه السلام) فرمود: آن که خود را در مرتبه پیشوایی قرار می‌دهد باید پیش از مؤدب نمودن مردم به مؤدب نمودن خود اقدام کند، و پیش از آنکه دیگران را به گفتار ادب نماید، باید به کردارش مؤدب

به آداب کند، و آن که خود را بیاموزد و ادب نماید به تعظیم سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را بیاموزد و تأدیب کند.» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۳)

خلق اطفالند جز مست خدا	نیست بالغ جز رهیده از هوا
گفت دنیا لهُ و لعب است و شما	کودکید و راست فرماید خدا
از لعب بیرون نرفتی کودکی	بی زکات روح کی باشی زکی

عنوان: آیا ایمان در قلب‌های ما وارد شده است؟

چشمان بیدار گوهر دینداری را در افراد می‌بیند اما ما که هنوز چشمهای قلبمان بیدار نشده از حال خود خبر ندارد مگر با قراین و نشانه‌ها. در قرآن کریم می‌خوانیم: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ - اعراب (بر تو منت گذارده و) گفتند: ما (بی جنگ و نزاع) ایمان آوردیم، بگو: شما که ایمانتان (از زبان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید لیکن بگویید ما اسلام آوردیم (و از خوف جان به ناچار تسلیم شدیم)، و اگر خدا و رسول وی را اطاعت کنید او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست (و از گناه گذشته می‌گذرد) که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.» (حجرات/۱۴)

الإمام الباقر عليه السلام: «ما مِنْ مَخْلُوقٍ إِلَّا وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ، وَ ذَلِكَ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ وَ لَيْسَ بِمَحْجُوبٍ عَنِ الْأَنْمَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ، ثُمَّ لَيْسَ يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ إِلَّا عَرَفُوهُ مُؤْمِنًا أَوْ كَافِرًا ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» فَهُمْ الْمُتَوَسِّمُونَ - امام باقر عليه السلام فرمود : هیچ آفریده ای نیست مگر این که بر پیشانی او مؤمن یا کافر نوشته شده است . و این از شما پوشیده است اما از امامان آل محمد پوشیده نیست. از همین رو هر کس بر ایشان وارد شود بدانند که او مؤمن است یا کافر. حضرت سپس این آیه را خواند: «به یقین در این برای نشانه شناسان نشانه هاست» (المیزان، ج ۱۲ ص ۱۸۷) این نشانه شناسان، همین امامان آل محمدند.

«عنه صلى الله عليه و آله : إِحْذَرُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ ؛ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ ، وَ يَنْطِقُ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ - پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : از فراست مؤمن بر حذرا باشید! زیرا او با نور خدا می بیند و با توفیق خدا سخن می گوید.» (کنز العمال ۳۰۷۳۱)

امام صادق علیه السلام : « إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ ، وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ ، وَ يَعْرِفُ وَلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ : «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ - آن گاه که قائم آل محمد قیام کند، به شیوه داوری داود میان مردم داوری کند و نیازی به گواه نداشته باشد. خداوند متعال به او الهام می فرماید و لذا بر اساس علم خود قضاوت می کند و هر قومی را از آنچه نهان داشته اند خبر می دهد و دوست و دشمن خود را از قیافه آنها می شناسد. خداوند سبحان می فرماید: «به یقین در این برای نشانه شناسان نشانه هاست» (المیزان، ج ۱۲ ص ۱۸۶)

صورت بی منتها را قابل است

آن صفای آینه و صف دلست

ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

صورت بی صورت بی حد غیب